

به نام خدا

همه کارهای زندگی  
از بی‌کفایتی می‌آید

# درست و نادرست

لیزا او. انگلهارت

تصویرگر

آر. دبلیو. آلی

مترجم

برزو سریزدی

[www.saberinbooks.ir](http://www.saberinbooks.ir)

## سخنی با والدین و مربیان

پرورش کودکان، وظیفه‌ای تمام‌نشدنی است. آن‌ها از هنگام تولد نمی‌دانند درست یا خطا کدام است. با گذشت سال‌ها، ما امید داریم بتوانیم آن‌ها را افرادی مسئولیت‌پذیر و محترم بار بیاوریم. برای آنکه بتوانیم این ارزش‌ها و معیارها را در آن‌ها بیرویم، باید بپذیریم که کودکان در مسیر رشد خویش با هنجارهای بسیاری مواجه می‌شوند. کودکان خردسال باور دارند که: «هر چیزی که من می‌خواهم، درست است.» با این حال آن‌ها می‌توانند برای خشنود کردن بزرگسالان و اجتناب از تنبیه شدن، کار درست را انجام بدهند. کودکان در سال‌های اول مدرسه از خودشان می‌پرسند: «این کار چه نفعی برای من دارد؟» در این سن آن‌ها منفعات‌اندیش می‌شوند و به نظرشان این روش منصفانه است. در سال‌های پایانی دبستان، کودکان رفتارشان را با هنجارهای اجتماع تطبیق می‌دهند. نوجوانان در سال‌های دبیرستان، حس احترام به خویشان را با درک این موضوع که روابط اجتماعی باید به طریقی پایدار بماند، با هم درمی‌آمیزند. در نهایت، هدف والدین این است که کودکان انسان‌هایی بالغ شوند و بتوانند در چارچوب اخلاق و هنجار جامعه، درست و غلطِ موقعیت‌های مختلف را تشخیص دهند و تصمیم‌های درست بگیرند.

با اینکه ما نمی‌توانیم تعیین کنیم فرزندمان چه زمانی و چگونه وارد سطوح مختلف «شناخت هنجارها» شود، اما می‌توانیم آن‌ها را در مسیر درست هدایت کنیم. البته خانواده‌ها و مدارس تنها می‌توانند روی تعداد محدودی اصول سخت‌گیرانه و قوانین واضح، پافشاری کنند؛ اصولی که نتایج‌آنی و باثبات داشته باشند. راه دیگر آن است که بزرگسالان، کودکان را هنگام انجام رفتارهای درست، نوع دوستانه و منصفانه مورد توجه قرار دهند و آن‌ها را برای کار درست‌شان تشویق کنند. از همه مهم‌تر، ما باید مراقب پیامی باشیم که رفتار خودمان به فرزندمان انتقال می‌دهد.

درست است که کودکان در سنین مختلف رشد، مسیر پریپیچ و خمی را طی می‌کنند (بعضی‌ها بیشتر از بقیه)، اما فرا گرفتن اصول اولیه اخلاقی و هنجارهای اجتماعی، می‌تواند نقش لنگری قابل اطمینان را در طوفان حوادث زندگی، خصوصاً دوران پرچالش نوجوانی ایفا کند. زمانی که ما فرزندمان را با رفتارهایی که خود به آن پایندیم و با شکیبایی و حضور همیشگی حمایت و تربیت کنیم؛ به آن‌ها قدرت تشخیص می‌دهیم تا بتوانند خود، درست را از نادرست باز شناسند. شاید این کتاب کوچک، دروازه ارتباطی سالم و مفید را به روی شما و کودکان زندگی‌تان بگشاید.



## درست و نادرست، برنده و بازنده

آیا مسابقه‌های تلویزیونی را که در آنها پرسش‌هایی از شرکت‌کنندگان می‌پرسند، دیده‌ای؟ در این مسابقه‌ها کسی که درست جواب می‌دهد، برنده می‌شود و کسی که پاسخ اشتباه می‌دهد، می‌بازد.

در زندگی هم درست و نادرست، کمی شبیه همین مسابقه‌هاست. اگر اشتباه کنی، خودت یا فرد دیگری می‌بازید. اما اگر کار درستی انجام دهی، همه برنده می‌شوید.

وقتی برادرت با رایانه بازی می‌کند، اگر دسته را از دستش قاپ بزنی، او بازی را می‌بازد. اما تو هم چیزهایی را می‌بازی: جوانمردی و مهربانی را. اما اگر صبر کنی تا نوبت شود، هر دو برنده‌اید.

راستی فکر می‌کنی اگر همه مردم دنیا، یک کار را اشتباه انجام دهند، چه اتفاقی می‌افتد؟ مثلاً اگر همه وقتی به رستوران می‌روند، تکه‌ای دستمال کاغذی یا کاغذ را گلوله کنند و آن را بانی به طرف هم فوت کنند، دنیا بهتر می‌شود یا بدتر؟

